



www.ketab.ir



ایران

ایتالو کالوینو غلامرضا امامی

سرشناسه: کالوینو؛ ایتالو: ۱۹۲۳-۱۹۸۵م (Calvino, Italo)
عنوان و نام پدیدآور: ایران / نویسنده: ایتالو کالوینو / مترجم: غلامرضا امامی / ویراستار: فرشیده اسدی.
یادداشت: عنوان اصلی: این کتاب منتخب و ترجمه‌ای از کتاب‌های:

Perché leggere i classici و Collezione di sabbia اثر ایتالو کالوینو

موضوع: ایران - سیروساحت - قرن بیستم

Iran- Description and Travel- *20th Century

موضوع: کالوینو، ایتالو؛ (۱۹۲۳-۱۹۸۵م) - سفرها - ایران

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

شناسه افزوده: امامی؛ غلامرضا؛ ۱۳۲۵/Emami, Gholamreza، مترجم

رده‌بندی کنگره: DSR1۴۸۱

رده‌بندی دیوید: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۴۷۷۳۴۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۹۳۸۴۹-۸-۵

مشخصات ظاهری: ۳۸۰ س.؛ ۱۶/۵×۲۴/۵ س.م

مشخصات نشر: تهران: رایبد

ایران

اتاق کشمکش

نویسنده: ایتالو کالوینو

مترجم: غلامرضا امامی

ویراستار: فرشیده اسدی

نمونه‌خوان: ثنا زاهدی

صفحه‌آرا: سامان فوازیان

مدیر هنری و طراح جلد: محمدرسل شکرانی

چاپخانه: عطا

شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۹۳۸۴۹-۸-۵

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید

کوچه شه‌رزاد، پلاک ۴. تلفن: ۰۲۱۶۶۳۴۵۰۶۴

تلفن همراه: ۰۹۰۵۱۵۱۳۷۰۲

WWW.RAYBODPUB.COM

INFO@RAYBODPUB.COM

© RAYBODPUB

فهرست

- ۷ آمد
- ۱۳ بیکره‌ها و عشایر (تخت جمشید)
- ۳۳ محراب (اصفهان)
- ۲۹ شعله در پس شعله (آتشکده زرتشتیان در یزد)
- ۳۷ هفت بیکر نظامی

www.ketab.ir
درآمد

ایتالو کالوینو^۱ به سال ۱۹۲۳ در سانتیاگو دلاس وگاس^۲ زاده شد. خانواده کالوینو پیش از تولد او به کوبا مهاجرت کرده بودند. پدر و مادرش، هر دو، گیاه‌شناس، شیفته طبیعت و دلبسته محیط زیست بودند. اثر تربیتی آنها بر طبیعت‌گرایی و شناخت عمیق کالوینو از گیاهان در آثارش نمایان است.

ایتالو کالوینو تا پنج‌سالگی در کوبا زیست و پس از آن همراه خانواده‌اش به زادگاه پدر، به شهر زیبای «سانرمو»^۳ ی ایتالیا بازگشت؛ شهری که برای

1. Italo Calvino (1923-1985)

2. Santiago de las Vegas.

3. Sanremo.

گل‌هایش شهره است و بزرگ‌ترین جشنواره موسیقی و آواز ایتالیا سال‌هاست که در آنجا برگزار می‌شود. کالوینو در همین شهر به دبستان و دبیرستان رفت. در سال ۱۹۴۱ برای ادامه تحصیل به شهر «تورینو»^۱ سفر کرد؛ شهری صنعتی که کارخانه معروف خودروسازی فیات، در آن قرار دارد. در دانشگاه تورینو تحصیلات دانشگاهی‌اش را ادامه داد.

او در سال ۱۹۴۲، به نهضت مقاومت ایتالیا در نبرد با فاشیسم پیوست و چندی بعد عضو حزب چپ این کشور شد.

کالوینو در سال ۱۹۴۷، از دانشگاه تورینو در رشته ادبیات فارغ‌تحصیل شد. پایان‌نامه کالوینو درباره سبک و زندگی نویسنده شهر، جوزف کنراد^۲، بود. با انتشار داستان **کورره راه لانه‌های عنکبوت** خوش درخشید. این داستان سبکی نو و بدیع در ادبیات داشت. انتشار این کتاب، جایزه ممتاز «ریچیونه»^۳ را برای نویسنده‌اش به همراه داشت.

نام‌آوران ادبیات ایتالیا - مانند گینزبورگ^۴ و الیو ویتورینی^۵ - در او نبوغی یگانه یافتند و در شمار نویسندگان صمیمی او قرار گرفتند.

کالوینو در سال ۱۹۵۷، پس از حمله شوروی به مجارستان، پیوندش را از حزب چپ ایتالیا گسست و استعفانامه رسمی‌اش را در روزنامه «اونیتا»^۶، ارگان رسمی حزب، منتشر کرد.

نشریه کتاب در مجموعه **نیاکان ما - ویکنت دونیم‌شده**، شوالیه

ناموجود و بارون درخت‌نشین - شهرت و نامش را جهانی کرد.

کالوینو، نویسنده‌ای خوش‌قریحه است که با تخیلی شگفت، طنزی گزنده، نوآوری‌های ممتاز و آفرینش‌های بی‌همتایش دنیایی تازه در ادبیات جهان پدید آورده‌است.

1. Torino.

2. Teodor Jozef Konrad Korzeniowski (1857-1924).

3. Riccione.

4. Natalia Ginzburg (1916-1991).

5. Elio Vittorini (1908-1966).

6. Unità.

کالوینو در فهرست سرآمدهای ادبیات پست مدرن جهان جای می‌گیرد. او با هجوی تلخ و به مدد توانمندی در آفرینش داستان‌های علمی-تخیلی، متن‌هایی می‌نگارد سهل و ممتنع، تیره و روشن همچون نور و سایه یا شب و روز.

کالوینو سال‌های بسیاری در پاریس زندگی کرد و در سال ۱۹۶۲ در این شهر با یک بانوی آرژانتینی مترجم آشنا شد. از کودکی او را «چیکیتا» می‌نامیدند. چیکیتا در سازمان‌های بین‌المللی و در محفل‌های ادبی پاریس حضوری چشمگیر داشت.

آشنایی کالوینو با او به دلدادگی کشید. آنها در سال ۱۹۶۵ به کوبا سفر کردند و در هاوانا^۱ پیمان رسمی ازدواج‌شان را ثبت کردند. کالوینو در این سفر با «چه گوارا» ملاقات کرد؛ دیداری صمیمانه. چه گوارا در آن زمان وزیر کابینه فیدل کاسترو^۲ بود. پس از مرگ جان گداز چه گوارا در سال ۱۹۶۷، کالوینو در سوگ او یادداشتی شاعرانه و زیبا نگاشت.

همدلی و همراهی پیوسته همسر کالوینو با او موهبتی بزرگ بود. آن دو بسیار به هم دلبسته بودند و کالوینو همسرش را «جسم من» می‌نامید. چیکیتا نیز زندگی با کالوینو را چنین ترسیم می‌کرد: «من با عینک کالوینو، به انسان، زندگی و جهان می‌نگرم».

1. Esther Judith Singer «Chichita» (1925-2018).

2. Havana.

3. Ernesto Rafael Guevara de la serna: Ernesto Che Guevara (1928-1967).

۴. Fidel Alejandro Castro Ruz، معروف به فیدل کاسترو (Fidel Castro) در سال ۱۹۲۶ متولد شد. او سیاستمداری انقلابی بود و سال‌ها در سمت نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور کوبا فعالیت کرد. کاسترو سال‌ها دبیرکل تنها حزب کوبا بود. در سال ۱۹۷۶، قانونی در این کشور تصویب شد که رهبری حکومت را به دبیرکل حزب واگذار می‌کرد. با تصویب این قانون، او برای مدت طولانی در مقام رهبر کوبا باقی ماند. او طولانی‌ترین سابقه حکومت‌داری را در میان رهبران کمونیست جهان دارد. کاسترو، سرانجام، در سن نودسالگی در نوامبر سال ۲۰۱۶ درگذشت. و

ایتالو کالوینو در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۳ به ایران سفر کرد. او در این سفر به شیراز، اصفهان و یزد رفت و بازدید از تخت‌جمشید، نقش‌رستم، آتشکده زرتشتیان و کوچ عشایر قشقایی را با دیدی ژرف و هنرمندانه روایت کرد.

این کتاب پس از سفر کالوینو به میهن ما نوشته شده‌است. او هم‌چنین کتابی دیگر را با نام **چرا باید کلاسیک‌ها را خواند**^۱ نگاشته‌است و در آن اثر درخشان نظامی، **هفت‌پیکر**، را بررسی کرده‌است. در این کتاب هر دو اثر کالوینو گنجانده شده‌است.

سفر به ایران برای کالوینو ایده‌های بسیار داشت و خاطره‌ای نیک رقم زد. سبک معماری ایرانی برای کالوینو بسیار جذاب بود. او دربارهٔ معماری شگفت‌انگیز قنات‌ها در ایران در داستان زیبای «احضار آب» می‌نویسد:

یک لحظه پیش، وقتی از اهرم‌های فرمان دوش حمام متأثر شدم، نزدیک بود تسلیم غرور کاذب خود شوم. کمتر از یک ثانیه طول کشید تا به این فکر فروروم که چه قدر تصورم از قدرت مطلق خویشتن بی‌جهت و احمقانه است و اینکه، وقتی حرکت روبه‌پایین جریان آب درون لوله‌های بالای سرم را نگاه می‌کنم، احساس وحشت و حقارت دارم، اما اگر صرفاً حباب هوا از لوله‌های خالی عبور کند چه؟ به صحرای بزرگ آفریقا فکر می‌کنم که سنگدلانه هر سال چند اینچ بیشتر پیشروی می‌کند. سرابی پرآب را می‌بینم که در دل واحه‌ای وسط کویر میان هرم هوا می‌لرزد. به دشت‌های خشک ایران فکر می‌کنم که با کانال‌های زیرزمینی از آن‌ها آب کشی شده‌است تا آب‌شان به سمت شهرهایی با گنبدهای کاشی‌کاری لاجوردی سرریز شود؛ شهرهایی که کاروان‌های خانه‌به‌دوش بادیه‌نشین عازم از دریای خزر به خلیج فارس هر ساله از آن‌ها عبور می‌کنند و زیر خیمه‌های سیاه چادر می‌زنند. در یکی از این خیمه‌ها زنی خم

1. *Perche Leggere i Classici.*

شده و چادر گلداز خود را به دهان گرفته است و در همان حین از مشک خود مقداری آب می‌ریزد تا چای درست کند.

سرم را به سمت سردوش حمام می‌چرخانم و یک ثانیه منتظر می‌مانم تا آب روی پلک‌های نیم‌بازم بریزد و خواب را از چشمانم برباید؛ چشمانی که هنوز سردوش خاکستری و سوراخ‌سوراخ حمام را با حاشیه‌های آهکی‌اش می‌کاود. ناگهان این تصویر در نظرم همچون صورت ماه جلوه می‌کند که پر از حفره است با دهانه‌های آهکی. نه، این صحرای ایران است که از میان جریان آب به آن خیره شده‌ام؛ از میان حفره‌های کوچک سفید که در ردیف‌هایی با فاصله‌های برابر از هم قرار دارند و مجراهایی را با قدمت سه‌هزار سال نشان می‌دهند که آب از آن می‌گذرد. قناتی در زیر زمین به اندازه پنجاه یارد ساخته می‌شود. آب در یک لحظه در آن جاری می‌شود و با سطح زمین از راه این چاه‌ها ارتباط برقرار می‌کند. فقط یک نفر به کمک طناب می‌تواند از این چاه‌ها پایین برود تا کارهای تعمیراتی را انجام دهد. خودم را داخل یکی از آن حفره‌های تاریک تصور می‌کنم. در جهانی وارونه خودم را داخل سوراخ‌های سردوش می‌بینم. انگار نامرئی شده‌ام و داخل چاه‌های قنات پیش می‌روم؛ جایی که آب با شرشر خفه‌ای در آن‌ها جاری است.

کسری از ثانیه کافی است تا دوباره معنای بالا و پایین را کشف کنم. آب بعد از یک سفر سریالایی دشوار به من نزدیک می‌شود. در تمدن‌های کم‌آب و عطشان، آب در آبروهای مصنوعی یا به پایین هدایت می‌شود یا در امتداد زمین جریان دارند؛ بسیار شبیه به آنچه در طبیعت می‌بینیم. هم‌زمان در تجمّل‌گرایی بیش از اندازه تمدن‌ها و اسراف مداوم آب زلال حیاتی، آب در مجراها به سمت بالا هدایت و پس از غلبه بر جاذبه، دوباره به سمت پایین سرریز می‌شود.^۱

۱. برگرفته از ترجمه بهنام رشیدی در مجلهٔ برگ هنر.

مارتین مک‌لاکلن، مترجم انگلیسی کتاب کالوینو^۱، درباره سفر او به ایران چنین می‌نویسد:

کالوینو در این سرگرمی شگفت، چیزی بسیار عمیق و مهم می‌بیند که پس از قرن‌ها، فرسایش طولانی بقایای جهان را ثبت می‌کند؛ استعاره‌ای برای اثر ادبی نویسنده.

در یادداشت «تخت جمشید» از مجسمه‌های سنگی و سلسله پادشاهان هخامنشی و ساسانی در ایران یاد می‌شود. در این متن، نویسنده چگونگی فرار از زمان و بروز تضاد اندیش‌مندان‌ای را بین ماندگاری نقش‌های برجسته سلطنتی و کوچ فصلی عشایر ساکن در منطقه بررسی می‌کند.

تصادفی نیست که کلمه «گردوغبار» در این یادداشت پیوسته تکرار می‌شود. «گردوغبار» در این یادداشت ظاهر می‌شود تا تضاد میان نقش‌های جاودانه را در سبک و عشایر نشان دهد. او می‌گوید: «قرن‌هاست عشایر از زمین‌های خلیج فارس و دریای خزر گذر کرده‌اند؛ بی‌آنکه ردپایی از خود در «گردوغبار» به‌جای بگذارند. مشکل حکامان قدرتمند - چه تراژان^۲، چه داریوش و چه شاپور اول - این است که آثار پرافتخارشان به «گردوغبار» تبدیل می‌شود». احساس نویسنده در روند نتیجه‌گیری و پایان متن همچون دیگر آثار داستانی‌اش آشکار است.

غلامرضا امامی

پاییز ۱۴۰۱

1. McLaughlin, Martin: *Italo Calvino: Collection of Sand Penguin Books*, 2013.

۲. Trajan، از سال ۹۸ تا ۱۱۷ میلادی امپراتور روم بود. او مدیر، فرمانده، سیاستمدار و بهترین امپراتور روم به‌شمار می‌آید.